

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فیش منبر

۱۴ خرداد رحلت امام خمینی (ره)

۸ شکل تحریف امام



کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اشکال هشت‌گانه‌ای برای تحریف امام وجود دارد (ممکن است بیشتر هم باشد) که در ذیل بدان خواهیم پرداخت.

**- ارائه تفسیر جمهوری خواهانه از امام و حذف بقیه ابعاد و اهداف داخلی و جهانی انقلاب اسلامی.**

انقلاب امام (ره) دهها بعد و هدف مشخص و اعلام شده دارد که از عدم جدایی دین از سیاست تا استکبارستیزی را در بر می‌گیرد. جهانی بودن نهضت، حذف نظام‌های فاسدی که بر پایه صهیونیسم، امپریالیسم و کمونیسم بنا شده‌اند، حمایت از محرومین و مستضعفین در سراسر جهان، اجرای عدالت در جامعه اسلامی، تلاش جهت وحدت امت اسلامی، نفی اشرافی‌گری در حوزه حاکمان، مردم‌سالاری و ... از جمله اهداف امام است. اما نسل سوم و چهارم انقلاب وقتی اهداف امام را از دهان فلان جریان می‌شنود غیر از «جمهوری» و «دموکراسی» هیچ هدف مشخصی را از امام نمی‌داند. ابعاد فرامرزی امام توسط برخی افراد و جریانات به صورت صددرصد پنهان می‌شود. تا جایی که مقام معظم رهبری در ۱۴ خرداد ۱۳۹۳ با صراحت اعلام کردند که نمی‌شود بخشی از امام را کتمان یا پنهان کرد. و فرمودند این امام که عده‌ای معرفی می‌کنند امامی نیست که مردم به فرمان او فرزندانشان را به قربانگاه می‌فرستادند.

اعتراض اکبر گنجی به عدم معجزه هرمنوتیک در تفسیر جمهوری خواهانه از امام به همین دلیل صورت می گرفت که عده‌ای تلاش می نمایند تفسیری از امام ارائه دهند که مورد تایید غرب نیز باشد. و اکبر گنجی به عنوان دشمن صادق جمهوری اسلامی این تفسیر را غیر ممکن می داند.

## ۲- بزرگ کردن برخی دیدگاه‌های امام و نادیده گرفتن برخی دیگر.

بخشی از جریانات سیاسی از ۲۱ جلد صحیفه امام فقط به یک جمله اکتفا می کنند که « میزان رای ملت است» و حتی جمله بعد از آن را نیز سانسور می کنند. یکی از اندیشمندان امریکایی که در دوران اصلاحات به ایران سفر و با برخی از نخبگان وقت ملاقات کرده است، کتابی با نام «دوام خمینی» می نویسد. وی در آن کتاب اشاره می کند: «کسانی که در دهه ۶۰ تندترین مدافعان آیت الله خمینی بودند در دهه ۷۰ برای بازگشت مجدد به قدرت تصمیم به یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای ایدئولوژیکی گرفتند و به مروجان لیبرالیسم تبدیل شدند و برخی از دیدگاه‌های آیت الله خمینی را بزرگ و برخی را به کلی نادیده گرفتند.» جامع دیدن امام اصل فراموش شده‌ای است که این فراموشی معمولاً توسط کسانی صورت می گیرد که امام را طوری تفسیر می نمایند تا با نقطه‌ای که خود ایستاده‌اند، هماهنگ شود. بنابراین حملات امام به امریکا به صورت کامل سانسور می شود. ساده‌زیستی

مسئولان به فراموشی عمدی سپرده می‌شود. «نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد» را علناً با دعوت از مطرودین امام به مجالس و میتینگ‌ها نادیده می‌گیرند و «تا مبارزه هست ما هستیم» امام را به «تعامل» و «گفت‌وگوی تمدن‌ها» تبدیل می‌کنند. این در حالی است که امام «مظاهر مادی» را به کلی به رسمیت نمی‌شناخت و کاملاً در موضوع هجومی بود. امام در نگاه به غرب در جایگاه متهم نمی‌نشست بلکه طلبکارانه فریاد می‌زد و محکوم می‌کرد اما امروز برخی از مدعیان امام تلاش می‌نمایند استانداردهای حیات غربی را از حنجره امام خارج کنند و احساس کمتری را در ملت زنده نگه دارند.

### -۳- ارائه اطلاعات فراتر از مکتوبات و صوت‌های موجود امام:

امام صوت و دست‌خط خود را ملاک و مرجع مراجعه مردم به جهت‌گیری و محتوای اندیشه خود می‌دانند و راه‌های دیگر را بسته‌اند. ممکن است امام در فضای گفت و شنود و تبادل و بحث، مطلبی را گفته یا شنیده باشد. اما آنچه به عرصه عمومی سرازیر می‌شود دیدگاه‌های رسمی و علنی امام است. بنابراین برخی از نیروهای صدر انقلاب که در چرخه مردم‌سالاری بالا و پایین می‌شوند به دنبال حقانیت غیر دموکراتیکی برای خود می‌گردند و برای مجاب کردن رقیب یا نظام، مرتب به فضای غیررسمی امام رفت و برگشت دارند و بعضاً اطلاعاتی را ارائه

می‌دهند که سامانه فکری جوانانی که امام را ندیده و از صحیفه ایشان سیراب می‌شوند به هم می‌ریزند. این روش می‌تواند در ایجاد تردیدها و دوگانگی‌ها موثر باشد، به طور مثال ابراهیم یزدی می‌گوید امام(ره) به من گفت «اینها کی هستند سفارت امریکا را گرفته‌اند بروید بریزیدشان بیرون». خب اکنون چنین جمله‌ای در صحیفه امام نیست و در عین حال می‌بینیم که امام این حرکت را «انقلاب دوم» نامیدند و بیش از ۵۵ بار از واژه لانه جاسوسی یا لانه فساد برای معرفی آن استفاده کردند. حال جوان امروزی باید با این دوگانگی چه کند؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد افرادی که اینگونه از امام مایه می‌گذارند یا دنبال اثبات خود هستند و یا در اثبات ناحق شمردن دیگران قدم بر می‌دارند.

#### ۴- حذف جنبه‌های انقلابی شخصیت امام:

برخی از نیروهای سابق انقلاب که از انقلابی‌گری به پراگماتسیم یا واقع‌گرایی محض رسیده یا در بین دو راه مبارزه یا زندگی، زندگی را انتخاب کرده‌اند، امام را طوری تفسیر و معرفی می‌نمایند که نسل امروز گمان می‌کند امام یک عنصر منفعل، حاشیه‌نشین، تشریفاتی و تزئینی بوده است. حال آنکه ادبیات به جا مانده از امام نشان می‌دهد که هر قدر امام از صدر انقلاب دور می‌شود چهره انقلابی‌اش برافروخته‌تر می‌شد. بدون تردید اگر مکتوبات سال ۱۳۶۷ امام را در اختیار یک

ادیب قرار دهیم و سن نویسنده را جویا شویم ، فردی زیر ۳۰ سال را معرفی خواهد نمود. بنابراین امام انقلابی بودن را «احساسی بودن» نمی‌دانست بلکه وارد شدن به سازش‌های عزت‌سوز را مانع بود و به همین دلیل می‌فرمود «گمان نکنید ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم، اما هیئات که سیراب‌شدگان کوثر عاشورا به ملت خود خیانت کنند».

مواجهه امام با ماجرای سلمان رشدی که جهان اسپر شده در «عرف دیپلماسی حاکم» را به هم ریخت و یا برخورد با سفرای اروپایی که بعد از حکم اعدام سلمان رشدی ایران را ترک کردند، نمونه‌ای بارز از صلابت انقلابی امام است. به صورتی که بعد از خروج سفرا فرمودند «گمان می‌کنید با آوردن نام بازار مشترک (اتحادیه اروپا) و مسائل اقتصادی ما از کنار اعتقاداتمان می‌گذریم». نکته دیگری که اکنون به چالش نخبگان نظام تبدیل شده است اینکه انقلاب اسلامی امری مستمر است یا با تشکیل «جمهوری اسلامی» به عنوان یکی از محصولات آن تمام شده است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که امام به استمرار انقلاب باور داشتند، کلید پیروزی‌ها تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب را در این روحیه جست‌وجو می‌کردند و در حالی که بر سر اینکه «انقلاب اسلامی» درست است یا «اسلام انقلابی»، امام بر اسلام انقلابی نیز صحنه گذاشتند و در ۱۳۶۷/۱۲/۳ و در هنگام شمارش دستاوردهای جنگ تحمیلی درباره مهم‌ترین دستاورد آن فرمودند «و از همه مهم‌تر استمرار روح اسلام

انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت. «بنابراین امام به مسئولین (نه مردم) توصیه کردند که اگر که می‌خواهند در مسیر انقلاب اسلامی بمانید باید بدانند که «رفاه و مبارزه با هم جمع نمی‌شود و کسانی که بر این باورند که رفاه و مبارزه با هم سازگارند آب در هاون می‌کوبند». کلید بریدگی برخی از انقلابیون سابق را باید در همین نقطه جست‌وجو کرد که برای پنهان کردن بریدگی یا تغییر ذائقه خود و خانواده تلاش می‌کنند امام را «مرد زندگی» معرفی نمایند، حال آنکه امام تقریباً از سال ۱۳۲۲ و خصوصاً از ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۸ زندگی معمول را بر خود حرام کردند و همیشه در مبارزه و تبعید بود و لحظه‌ای دست از مبارزه برنداشتند. چراکه خود بر این باور بود که «تا کفر و شرک هست مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم» این جمله امام مانع از تحریف اهداف امام به بهانه تغییرات زمان و مکان می‌شود چراکه استمراری بودن مبارزه را صحه می‌گذارد.

### ۵- تبدیل اسلام سیاسی - فقه‌ای امام به اسلام رحمانی :

اسلام در ابعاد مختلف فقهی، سیاسی، عرفانی، جهادی و البته دارای ابعاد عطوفت و مهربانی است اما هنگامی که رنگ سیاست و حکومت به خود می‌گیرد محتوای آن از مسیر ((فقه سیاسی))&nbsp;می‌گذرد و باید و نبایدهای آن نیز توسط فقه برجسته می‌شود. اسلام در کنار همه ابعاد به بعد قسط، عدل تاکید دارد و از قوه



این موضوع علاقه‌مند به رحمانیت حکومت‌اند و توقع دارند حکومت از افعال غیر عادی و حتی توطئه‌های امنیتی با تساهل بگذرد و اقتدار خود را به رخ نکشد. حالا آنکه در سیره امام چنین تساهل و تسامحی وجود ندارد و امام قاطعیت خود را در برخورد با متخلفان (چه روحانیت و چه مدیران کشوری) بارها به ظهور رسانده است و در سیره وی ثبت است .

### -۶ اصلت خانوادگی در تفسیر امام :

برخی از اقوام درجه دو و سه امام که داشته‌ها و سرمایه اجتماعی خود را از امام دارند تلاش می‌نمایند از &nbsp;این ره‌آورد ارجعیتی برای خود قائل شوند. این جماعت دو دسته‌اند: عده‌ای که واقعاً به تصویری که از امام در حوزه اجتماعی وجود دارد احترام می‌گذارند و امام را در ترازوی نشان می‌دهد که مردم هزار، هزار فرزندان‌شان را به فرمان و عشق او به قربانگاه فرستادند. اما برخی دیگر هستند که در پایبندی‌های فقهی و احکامی نیز دچار تعارض هستند اما علاقه‌مندند که با تابلو امام شناخته شوند. بعضی برای توجیه حقانیت و مشی فعلی خود به ارائه خاطره یا سخنی از اندرونی امام روی می‌آورند که بعضاً توهین به امام محسوب می‌شود. جنبه‌های حکومتی – سیاسی و جهانی امام فراتر از انحصار خون و نژاد است و از آن جاکه بیان و قلم امام در دسترس همگان هست نباید به تفسیرهای خانوادگی،

خصوصاً از دسته دوم توجه نمود. کسانی که رفتار سیاسی، اولویت‌های فردی، دغدغه و هویت اجتماعی شان فاصله زیادی با امام دارد نباید به این وادی وارد شوند .

### -۷ استفاده از روش‌های پست مدرن برای تفسیر و فهم امام :

در سالهای اخیر مسئله نقد یا روز آمد کردن اندیشه امام مورد توجه قرار گرفت . برخی برای ایجاد قابلیت نقد امام توصیه می‌کردند که باید وی را معادل (( مکتب)) فرض نماییم و برخی دیگر برای انطباق امام با رهاورد بشری غرب تلاش کردند با روش‌های تاویلی و تفسیری به انطباق روی آورند. البته این دسته می‌دانند که انطباق اندیشه امام با رهاوردهای علمی – بشری غرب به دلیل پیروی امام از (( معرفت ذاتی)) امکان پذیر نیست، چرا در جهان بینی امام انسان موجودی دو بعدی است که حکومت نسبت به هر دو بعد اخروی و دنیوی وی مسئولیت دارد. اما برخی برای پرستیژ سازی مقابل غرب تلاش می‌نمایند امروزی بودن امام را با غربی بودن خلط نمایند .

دسته دیگری نیز هستند که در صدد ارائه تصویری ماهوی از امام هستند، اما جایگاه اجتماعی امام این جسارت را از آنان گرفته است و به همین دلیل با روش‌های تفسیری و قالب‌های شبه علمی امام را به خود نزدیک می‌نمایند .

معرفت غربی به جهت نسبی بودن، سیالیت و جوهر ستیزی در نقطه مقابل امام قرار دارد. بنابراین در تفسیر وی نیز باید از روش‌هایی بهره جست که با معرفت ذاتی تعارض نداشته باشد. اگر امام با روش‌های قیاسی، کلامی، نقلی، عقلی، وحیانی و درون دینی به حوزه علم آورده نشود، نه تنها تحریف خواهد شد که کم‌کم و در بستر تاریخی به موجودی انسان گرا و دمکراسی‌خواه تقلیل داده خواهد شد.

### ۸- انطباق عرفی و عرفی‌سازی

عرفی‌سازی، اجتماع، فرهنگ و منزلت‌ها از اصول پذیرفته شده زیست غربی است. حاکمان تراز اول در نظام‌های مشروطه غربی «مصلوب‌الید» هستند و نقش تشریفاتی به خود گرفته‌اند. رهبر در جامعه اسلامی از جایگاهی تمام‌کنندگی، صلابت و گره‌گشایی برخوردار است و مردم نیز در روز حادثه و سختی‌ها، فتنه‌ها و شبهات از او انتظار دارند به میدان بیاید. برخی از روشنفکران که بین قدرت و روشنفکری رفت و برگشت دارند در صدد ارائه چهره‌ای تزئینی از امام دیروز برآمدند تا بتوانند به تعبیر خود «مردم سالاری فزاینده» را توجیه نمایند. امام در کارهای دولت‌ها دخالتی نداشت» «امام در عرصه اجرایی وارد نمی‌شد» و یا نظر سعید حجاریان که مثال ملکه انگلستان را برای حیطة وظایف ولی فقیه مناسب می‌داند، نمونه‌هایی از امام بی‌خاصیت و تزئینی است، حال آنکه امام به نخست‌وزیری که

ذیل رئیس جمهور تعریف می‌شد، به وزیر، به قاضی (فہیم کرمانی) به صدا و سیما و ... نہیب می‌زد و این نہیب‌های امام در تاریخ انقلاب مضبوط و مکتوب است . روشنفکران برای عرفی‌سازی سیاست و حکومت باید از سراندیشہ و سیرہ امام بگذرند و برای این مجبورند امام را در جایگاہ عرفی رہبران عالی جہان نشان دهند. حال آنکہ مطلقہ بودن ولی فقیہ از اصول اندیشہ مشخص امام است و امام ولایت فقیہ را واجد صلاحیت برای مقابلہ با دیکتاتوری می‌داند. بنابراین کسی کہ بالقوہ باید با دیکتاتور برخورد کند نمی‌تواند از عرف پادشاہان انگلیس، اسپانیا یا ژاپن پیروی نماید و فاقد اختیار باشد.

منبع سایت رسمی امام خمینی (رہ)

: <http://emam.com/posts/view/8512>